

در هیات هفتگی شهدای گمنام مطرح شد

پناهیان: مهمترین مقدمات فرج، اصلاح بی‌حجابی نیست، بلکه اصلاح سیاستمداران است/ عرصه

سیاست به مراقبت نفس و تقوای فوق‌العاده احتیاج دارد

حجت الاسلام پناهیان در جلسه هفتگی خود در هیات شهدای گمنام بحث جلسات پیشین در خصوص جایگاه سیاست در دین و سیره امامان را ادامه داد. در ادامه فرازهایی از این سخنرانی را می‌خوانید:

اسلامی که به تأمین نیازهای حیاتی ما بها داده، قطعاً به عرصه سیاست اهمیت می‌دهد/ چون نیازهای حیاتی ما در عرصه سیاست تأمین می‌شود

- در دستورات دینی، نیازهای حیاتی ما کاملاً دیده شده و به آنها اهمیت داده شده است. به حدی که کسی که سر کار می‌رود و زحمت می‌کشد تا برای خانواده‌اش درآمدی کسب کند مانند مجاهد فی سبیل الله است. (امام صادق(ع): **الْكَاذُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ كافي/ ۸۸/۵**) در دین به تأمین نیازهای حیاتی ما دستور داده شده است و حتی گاهی اوقات برآورده نکردن این نیازهای حیاتی، حرام است. مثلاً اگر کسی آن قدر غذا نخورد که از بین برود، این یک‌نوع خودکشی محسوب می‌شود که حرام است.
- چطور ممکن است اسلامی که این قدر به تأمین نیازهای حیاتی ما توجه کرده و اهمیت داده، به عرصه سیاست اهمیت نداده باشد و توجه ما را به آن جلب نکرده باشد؟! چون اکثر نیازهای حیاتی ما در عرصه سیاست رقم می‌خورد و تأمین شدن یا نشدن آنها در دست قدرتمندان قرار می‌گیرد. به حدی که این قدرتمندان، حتی می‌توانند ما را به قتل برسانند. یا می‌توانند جنگ راه بیندازند و ما را نابود کنند.
- دینی که این طور به نیازهای حیاتی انسان‌ها نگاه می‌کند و به تأمین این نیازها دستور می‌دهد و به آن بها می‌دهد، قطعاً به عرصه سیاست بها داده؛ چرا که تمام نیازهای حیاتی ما در سطح کلان - در آنجا تأمین می‌شود. نیازهای حیاتی ما در سطح کلانش، به دست قدرتمندان است و عملکرد قدرتمندان و جابجایی و بقای آنها در فضای سیاسی رقم می‌خورد. پس چطور ممکن است که دین از ما خواسته باشد سیاسی نباشیم؟!

اسلامی که به کمک به فقرا بها داده، قطعاً به عرصه سیاست و سرچشمه فقر، بی‌تفاوت نیست

- اسلام اسم دستگیری از فقرا را صدقه و انفاق و زکات گذاشته و این کار به قدری در دین اهمیت داده شده که معمولاً در قرآن کریم بعد از توصیه به نماز، توصیه به زکات مطرح می‌شود. حالا این اسلامی که توصیه به دستگیری از ضعیف کرده - و اصلاً کمک کردن به افراد ضعیف را صدقه می‌داند - آیا ممکن است این اسلام به عرصه سیاست بی‌تفاوت باشد؟! عرصه سیاستی که در آن تولید فقر یا ثروت می‌شود و یا - در سطح کلان - از فقر جلوگیری می‌شود و به فقرا کمک می‌شود. امکان ندارد که اسلام به ما بگوید: «به سیاست کاری نداشته باشید، و بروید به فقرا صدقه بدهید!» چون سرچشمه اصلی تولید فقر، در عرصه سیاست است. پس اگر می‌خواهیم به محرومین کمک کنیم، در درجه اول جایگاهش در عرصه سیاست است، چون فقیرسازهای بزرگ در این عرصه هستند.
- جنبه‌های سیاسی بسیاری از دستورات دینی، اهمیت بیشتری دارند. البته در قرآن صریحاً زیاد از سیاست و قدرت صحبت نشده است، همان طور که نام دوازده امام ما صریحاً در قرآن نیامده و همان طور که طبق فرمایش امیرالمؤمنین(ع) دین ما دین اشاره است.

حضرت امیر(ع) می‌فرماید: «خدا پیغمبر ما را به اشاره مبعوث کرد نه به تصریح؛ فَبَعَثَهُ اللَّهُ بِالتَّعْرِيزِ لَا بِالتَّصْرِيحِ...» (احتجاج/ ۱/ ۲۵۵)

معقول نیست خدا دستور جهاد بدهد ولی تکلیف مدیریت جهاد را مشخص نکرده باشد/ برای عمل به

دستور جهاد، باید بصیرت سیاسی داشته باشیم

- نمونه دیگر - از اهمیت دادن دین به سیاست - این است که دین ما دستور به جهاد داده است، و لذا این سؤال مطرح می‌شود که زمان و موقعیت جهاد را چه کسی باید تشخیص دهد؟ جهاد کجا باید کنترل شود؟ چه کسی باید تعیین کند که الان وقت جهاد است یا الان وقت جهاد نیست؟ طبیعتاً این کار باید در عرصه سیاست تعیین شود، پس ما نمی‌توانیم عرصه سیاست را رها کنیم که به دست هر کسی بیفتد؛ چون هر آدم نالایقی نمی‌تواند در عرصه سیاست وارد شود و دستور جهاد یا صلح بدهد؛ کما اینکه الان داعشی‌ها دارند این کار را انجام می‌دهند. این داعشی‌ها، بعضی افراد را تعبدی وادار به مهاجرت می‌کنند تا در امر جهاد وارد شوند. آن وقت کسی که بصیرت سیاسی نداشته باشد، و توسط اینها به او دستور جهاد برسد، به جنگ می‌رود و می‌کشد یا کشته می‌شود و خونش به هدر می‌رود.
- معقول نیست که خداوند دستور جهاد بدهد ولی تکلیف مدیریت جهاد را مشخص نکرده باشد. و کسی که چنین نگاهی به دین دارد، یک نگاه غیرعاقلانه به دین دارد؛ چون او در واقع دارد می‌گوید: «اسلام کلاً گفته است جهاد خوب است!» اما مسأله مهم این است که چه کسی باید دستور جهاد را صادر کند؟ و این جهاد در چه شرایطی واجب می‌شود؟ اسلامی که حرمت خون یک آدم را معادل با همه آدم‌ها می‌داند (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا؛ مائده/ ۳۲) چطور ممکن است همین طوری دستور جهاد بدهد بدون اینکه مدیریت آن را تعیین کرده باشد؟!
- اولاً کسی که می‌خواهد زمان و شرایط جهاد را تشخیص دهد، باید کاملاً یک رجل سیاسی باشد و ثانیاً ما هم باید بصیرت سیاسی داشته باشیم تا بفهمیم که آیا تشخیص او درست است یا نه؟ و آیا سخن او را گوش کنیم یا نه؟ پس ما باید سیاسی باشیم و بصیرت سیاسی داشته باشیم تا بتوانیم به دستور جهاد عمل کنیم.
- اگر می‌خواهیم جهاد کنیم باید سیاسی باشیم. در خارج از مقوله سیاست، نمی‌شود درباره جهاد تصمیم گرفت و اقدام کرد، بلکه نیاز به بصیرت سیاسی دارد.

آیا احکام نماز جماعت، آموزش حضور در اجتماعی با یک رهبری متمرکز نیست؟

- اصل نیازهای حیاتی ما در عرصه سیاست رقم می‌خورد. و در دین ما به عرصه سیاست خیلی اهمیت داده شده است. درباره عبادت نیز همین طور است. مثلاً اگر می‌خواهیم نماز بخوانیم، باید سعی کنیم به جماعت نماز بخواهیم. به حدی که اگر خانه ما نزدیک مسجد باشد و به مسجد برویم، نزدیک است که نماز ما قبول نشود.
- چرا ما از نماز جماعت یک برداشت و تلقی سیاسی نداریم؟ چرا تبعیت از امام جماعت در نماز جماعت، این قدر احکام و جزئیات دقیق دارد؟ مثلاً اینکه در نماز جماعت نباید از امام جماعت جلو بیفتید ولی اگر تا دو رکن از او عقب باشید، ایراد ندارد. (یعنی تا یک‌مقدار عقب افتادن را می‌پذیرند ولی نباید جلو بیفتیم). آیا اینها آموزش حضور در یک اجتماع با یک رهبری متمرکز نیست؟

چطور ممکن است دین ما به نفوذ و فساد شیطان در جامعه کاری نداشته باشد؟

- اسلام ما را نسبت به شیطان هشیار می‌کند. مثلاً می‌فرماید: «شیطان برای شما دشمن است پس او را دشمن خود بگیرید؛ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمُ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» (فاطر/۶) وجود دشمن آن قدر جدی است که این دشمن حیات بشر، حتی قبل از خود ما آفریده شده است. اینکه شیطان می‌خواهد در ما نفوذ کند و ما را فاسد کند، خیلی مهم است و در دین به ما هشدار داده شده، پس چطور ممکن است دین ما نسبت به نفوذ شیطان در جامعه و فاسد کردن آن کاری نداشته باشد؟!
- وقتی شیطان برای تأثیرگذاری روی یک فرد در او نفوذ می‌کند، طبیعتاً برای شیطان هم عرصه سیاست از عرصه زندگی فردی آدم‌ها خیلی مهمتر است. لذا باید مراقبت کنیم تا شیطان در جامعه ما نفوذ نکند، و این یعنی باید سیاسی باشیم. همان‌طور که شیطان برای فریب دادن تک تک ما ترفندهایی دارد، برای خراب کردن یک جامعه هم ترفندهایی دارد. و او می‌داند که باید چه کار کند. او می‌داند که باید به سراغ سیاسیون برود و آنها را فریب دهد تا بر کل جامعه تأثیرگذار باشد.

خدمت یا خیانت سیاسی، خیلی سنگین‌تر از ثواب یا گناه شخصی است / حق الناس‌های کلان در عرصه سیاست است

- کسی که فعالیت سیاسی کند و در این عرصه به «یک جامعه» خدمت کند، معنویت او فوق‌العاده اوج می‌گیرد؛ خیلی بیشتر از وقتی که فقط به «یک انسان» خدمت می‌کند. و همین‌طور برعکس؛ کسی که یک خیانت سیاسی کند، گنااهش خیلی سنگین است و خیلی به قعر جهنم می‌رود، نسبت به کسی که یک گناه شخصی (مثلاً عرق‌خوری) انجام داده است. جرم سیاسی یا خیانت در عرصه سیاست، خیلی جرم سنگینی است و با توبه‌های معمولی پاک نمی‌شود و کسی که مرتکب چنین جرمی شود، عاقبت به‌خیری او به شدت در معرض خطر قرار می‌گیرد.
- حضرت امام(ره) در آن نامه‌ای که برای عزل آن بنده خدا نوشتند، به او فرمودند: «برای اینکه در قعر جهنم نسوزید خود اعتراف به اشتباه و گناه کنید، شاید خدا کمکتان کند.» (صحیفه امام/۲۱/۳۳۱) تفاوت بین قعر جهنم با سر جهنم یا وسط جهنم را می‌دانستند و هیچ‌وقت هم از روی عصبانیت سخن گزاف نمی‌گفتند، یعنی این تعبیری که امام(ره) به کار برده‌اند، با دقت و توجه ایشان همراه بوده است.
- حضرت آیت الله العظمی بهجت(ره) می‌فرمایند: خدا نکند انسان معصیت کند و اگر کرد، خدا نکند معصیت اجتماعی بکند (پایگاه رسمی اطلاع‌رسانی آیت الله بهجت)

- اسلامی که حق الناس را مهمتر از حق الله می‌داند، یک دین سیاسی است چرا که حق الناس‌های کلان در عرصه سیاست است. یک نمونه‌اش هم سخن اخیر رهبر انقلاب درباره رعایت حق الناس در جریان انتخابات است.**

شهادی فتنه ۸۸ در دفاع از حق الناس شهید شدند / اگر از شهادی فتنه به‌خوبی تقدیر کرده بودیم،

بعضی‌ها زمزمه فتنه بعدی را شروع نمی‌کردند

- کسانی که در فتنه ۸۸ به شهادت رسیدند، در دفاع از رأی مردم که حق الناس است، به شهادت رسیده‌اند؛ آنها از رأی مردم دفاع کردند، و اجازه ندادند انتخاباتی که مردم در آن رأی داده‌اند باطل شود. آنها از حق یک ملت دفاع کرده‌اند و باید از آنها تقدیر شود، مثلاً اینکه در تاریخ‌های مشخصی در مساجد محله‌مان برای بزرگداشت این شهدا، مراسم برگزار کنیم.

- ما وقتی از شهادی دفاع مقدس تقدیر می‌کنیم، همین کار، ضامن امنیت کشور است و دشمنان ما از اینکه بخواهند به این ملت حمله کنند، ناامید می‌شوند. ما اگر در این چند سال، حساسی از شهادی فتنه تقدیر کرده بودیم، بعضی‌ها زمزمه فتنه بعدی را شروع نمی‌کردند.

مقدمات فرج اکثراً در عرصه سیاست رقم می‌خورد/مهمترین مقدمات فرج، اصلاح بی‌حجابی نیست، بلکه اصلاح سیاستمداران است

- اینکه ما بتوانیم معنویت خود را با سیاست افزایش دهیم، یک رشد ویژه می‌خواهد. اینکه ما در دعا و مناجات سحرگهان خود بتوانیم برای دعا‌های سیاسی خودمان گریه کنیم، توسل پیدا کنیم و خدا را بخوانیم، یک رشد ویژه می‌خواهد. که البته در اوج دعا‌های سیاسی ما دعا برای فرج است. لازمه دعا برای فرج، دعا برای مقدمات فرج است؛ تا دعا عارفانه باشد و قرین استجابت قرار گیرد. نباید این‌طور دعا کنیم که «خدایا! من نمی‌دانم فرج چگونه می‌خواهد بشود؟ بالاخره یک‌طوری فرج را برسان!» وقتی می‌خواهیم برای فرج دعا کنیم باید برای مقدمات فرج هم دعا کنیم و مقدمات فرج اکثراً در عرصه سیاست رقم می‌خورد. مهم‌ترین مقدمات فرج، اصلاح بی‌حجابی نیست، بلکه اصلاح سیاستمداران است.

دین می‌خواهد ما را به اوج هوشیاری برساند/اوج هوشیاری، هوشیاری سیاسی است / قدرت‌طلب‌ها آن قدر فضای سیاسی را زشت کرده‌اند که عرصه سیاست معنوی تلقی نمی‌شود

- دین می‌خواهد ما را به رشد و اوج هوشیاری برساند؛ اما اوج هوشیاری نسبت به چه چیزی؟ رشد و اوج هوشیاری، هوشیاری سیاسی است. دین می‌خواهد ما را به اینجا برساند. اما کسی که خودخواه باشد نسبت به این مسأله بی‌تفاوت خواهد بود. کسی که خیلی خودخواه باشد حتی اگر یک انسان در کنار او جان بدهد، او بی‌تفاوت است و کاری نمی‌کند. از این خودخواه‌تر و نامردتر کسی است که کل جامعه در کنار او دارند لطمه می‌خورند ولی او بی‌تفاوت است.
- مسأله این است که قدرت‌طلب‌ها از روز اول فضای سیاسی را آن قدر خراب و زشت کرده‌اند، و این فضا را دور از طهارت و نورانیت و معنویت کرده‌اند، که دیگر بحث سیاسی، یک بحث نورانی و لطیف و معنوی تلقی نمی‌شود. لذا وقتی مردم به یک جلسه‌ای می‌روند که در آن بحث سیاسی مطرح شده، رسماً می‌گویند: «مشب بحث معنوی نبود، بلکه سیاسی بود!»
- بعضی‌ها عامدانه در عرصه سیاست، قرمز و آبی درست کردند و جناح‌بندی‌های موهوم و منازعات بی‌پایه درست کردند تا مردم از عرصه سیاست متنفر شوند و از این عرصه کنار بکشند. این مسأله از همان زمان اولیاء خدا هم وجود داشته است. وقتی که در زمان امامان معصوم، خلیفه‌گری مُد شد و به اوج فساد خود رسید، مأمون تصمیم گرفت برای خراب کردن وجهه امام رضا(ع) ایشان را وارد عرصه سیاست کند. البته نه تنها وجهه امام رضا(ع) خراب نشد، بلکه کار داشت به ضرر مأمون پیش می‌رفت تا اینکه او تصمیم به قتل امام(ع) گرفت.

عرصه سیاست آن قدر باید معنوی باشد که با طهارت و با وضو وارد این عرصه شوند / چرا که سرنوشت

یک ملت به آن بستگی دارد

- اجازه ندهید عرصه سیاست در نزد شما عرصه زشت و بدی شود. هر کسی عرصه سیاست را به یک عرصه بد تبدیل کرده، او خودش بد است نه سیاست. عرصه سیاست آن قدر باید معنوی باشد که با طهارت و با وضو وارد این عرصه شوند. چرا که سرنوشت یک ملت به آن بستگی دارد.

اسلامی که می‌فرماید هر روز جداگانه صدقه بدهید، حتی در طول یک روز، هم صدقه صبح داریم و هم صدقه شب داریم. چرا این‌طور دستور داده است؟ چون این کار ما را تربیت می‌کند و اثر وضعی خاص دارد، یعنی همین عملیات پرداخت کردن صدقه، ما را دلسوز دیگران می‌کند ما را مخالف خودخواهی می‌کند و در این جهت ما را بار می‌آورد. آیا چنین دینی، نمی‌خواهد ما سیاسی باشیم؟!

از شما می‌خواهم در مطالعه تاریخ اسلام، خیلی به عنصر سیاست نگاه کنید و ببینید که چهارده معصوم چقدر خودشان را در این عرصه فدا کرده‌اند. هر کسی روحش لطیف‌تر است، سیاسی‌تر است چون دلش برای کل ملت می‌سوزد.

اگر سیاستمداران ما به مستکبران میدان بدهند، فقر بیشتر می‌شود / اجتناب از طاغوت یعنی جلوی نفوذ

طاغوت را بگیریم و اجازه ندهیم بر ما مسلط شود

- بهبود وضع زندگی مردم، تا حد زیادی به عملکرد سیاستمداران بستگی پیدا می‌کند. مثلاً اگر سیاستمداران ما به مستکبران میدان بدهند، فقر بیشتر می‌شود. الان در موضوع توافق هسته‌ای، نوبت مجلس شورای اسلامی است. ان‌شاء الله آنها مراقبت کنند تا اگر امضایی به زبان ملت است، کشور زیر بار امضایی نروند که بعداً ملت ما گیر بیفتد.
- پیامبران الهی دو پیام اصلی داشته‌اند، یکی عبودیت خدا و مشرک نشدن و یکی هم اجتناب از طاغوت (وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ نحل/۳۶) اجتناب از طاغوت یعنی اینکه جلوی نفوذ طاغوت را بگیریم و اجازه ندهیم او بر ما مسلط شود. باید دید که طاغوت چگونه بر ما مسلط می‌شود؟ از چه راهی وارد می‌شود و نفوذ می‌کند و بر ما سلطه پیدا می‌کند؟ این راه‌های نفوذ باید بررسی شود.

تقاضا می‌کنم شبها در بسیج و هیات‌ها بحث‌های سیاسی خوب و سازنده بگذارید تا رشد کنید

- عرصه سیاست عرصه نور، لطافت و معنویت است. عرصه بصیرت، نیک‌اندیشی، عاقبت‌نگری و همه‌جانبه‌نگری است. عرصه سیاست خیلی عرصه زیبایی است. آن را دوست داشته باشید و با آن به خودتان رشد فکری دهید. بحث سیاسی کنید. بنده از بسیج، و از هیات‌ها تقاضا دارم که شب‌ها در پایگاه‌ها، بحث‌های سیاسی خوب و سازنده بگذارند، نه اینکه درباره چپ و راست موهوم بحث کنند، بلکه بر روی معادلات سیاسی و دومیونها بحث کنند، پیش‌بینی کنند، اخبار را تحلیل کنند و رفتار رهبران سیاسی جامعه را تحلیل کنند.

عرصه سیاست به مراقبت نفس و تقوای فوق‌العاده احتیاج دارد

- ما می‌خواهیم به اینجا برسیم که نیازهای حیاتی ما تأمین شود، و پرفردتر شویم تا صدمه نخوریم و این یک نگاه کاملاً واقع‌بینانه است.
- نگاه خودتان را به عرصه سیاست تغییر دهید و این اوضاع موجود را نپذیرید و آن را عوض کنید. اگر این اوضاع موجود مورد رضای امام زمان (ع) بود، ایشان آمده بودند. پس باید توقع خود را بالا ببریم تا هر کسی که شایستگی ندارد، وارد این عرصه نشود. سیاست یعنی غرق خدمت مردم شدن. عرصه سیاست عرصه بسیار ناب و پاکی است؛ عرصه پیامبران و امامان است.
- عرصه سیاست به مراقبت نفس فوق‌العاده احتیاج دارد، به معنویت، تقوا، لطافت و عرفان فوق‌العاده احتیاج دارد، که هر کسی اهل آن نیست. مدیران و فرماندهان پای رکاب امام زمان (ع) آن قدر انسان‌های مقدسی هستند که وقتی از جایی رد می‌شوند، مردم خاک قدم‌های آنها را به تبرک بر می‌دارند.

